



رقابت میمون‌ها و هابیت بر سر جلوه‌های ویژه اسکار

فرهیختگان | ۱۰ فیلم قرار است در بخش جلوه‌های ویژه اسکار ۲۰۱۵ با هم رقابت کنند. آکادمی اسکار فیلم‌های «طلوع سیاره میمون‌ها»، «نگهبانان کهکشان»، «هابیت: نبرد پنج سپاه»، «بین ستاره‌ای»، «گودزیلا»، «کاپیتان امریکا: سرباز زمستانی»، «شیطان صفت»، «شب در موزه: راز مقبره» و «ترانسفرمرها: عصر انقراض» را معرفی کرده که از این میان قرار است در مرحله نهایی روز ۱۵ ژانویه پنج اثر در بخش جلوه‌های ویژه معرفی شوند تا بالاخره این عنوان به یکی از این فیلم‌ها برسد. البته نام فیلم‌هایی چون «حضرت نوح» ساخته «دارن ارنوفسکی» و «اکسدوس» ساخته «ریدلی اسکات» می‌توانستند در این فهرست باشند.

تجسمی

در حاشیه مرگ یوسف رضایی

مرگ انتزاعی هنرمند



فرهیختگان| در روزهایی که مرگ هنرمند جوانی به ناگهان به یکی از مهم‌ترین موضوعات روز تبدیل می‌شود و موجی از طرفدارانش خیابان‌ها را در ماتم گذشتش بندمی‌آورند، برخی هنرمندها هم هستند که با وجود شهرت جهانی و اهمیت کارشان، مرگی بی‌سر و صدا دارند و حتی ضایعه مرگ‌شان نیز با بی‌مهری روبه‌رو می‌شود. یوسف رضایی یکی از هنرمندان بنام نقاشیخط بود که در کارنامه کاری خود خلاقیت و ابتکار قابل تاملی داشت. آخرین نمایشگاه نقاشیخط او تیرماه پارسال یعنی سال ۹۲ در گالری نگاه برگزار شد و در حالی قلیش در ۶۲ سالگی از کار ایستاد که قرار بود نمایشگاهی از او در ماه‌های آتی برگزار شود. رضایی متولد ۱۳۳۱ رودسر، تحصیلات ابتدایی و دبیرستان خود را در رودسر و دارالفنون تهران گذراند. نخستین نمایشگاه گروهی‌اش در سال ۵۳ برگزار شد. در سال ۶۱ نیز نخستین نمایشگاه انفرادی‌اش را برپا کرد. در این نمایشگاه بود که جمالتی از زرتشت را دستمایه نقاشیخطهای خود قرار داد که مورد استقبال قرار گرفت. این جمله معروف زرتشت که می‌گوید «در جهان حقیقت یکی است و آن هم راستی است»، یکی از دستمایه‌های آن نمایشگاه بود. از او نمایشگاه‌های متعددی در تهران و کشورهایی چون ایتالیا، روسیه، اوکراین، انگلستان، پاکستان، آلمان، یونان و... برگزار شده است. یکی از کارهای او برنده جایزه آفاقان شده است. همین اثر به صورت ماکت در دوره شهرداری کرباسچی در تهران در فرهنگسرای کوچکی اجرا شد. یوسف رضایی اعتقاد داشت باید ادبیات عامه در هنر حضور داشته باشد و برخی از کارهایش با همین ایده شکل گرفته بود. در نقاشیخطهایش نیز به سراغ حروف غیرفارسی و غربی رفته و آثاری درخور خلق کرده بود. در نمایشگاهی که سال‌ها پیش در گالری سیحون برپا کرد، برای نخستین‌بار ادبیات عامیانه را وارد نقاشیخط کرد و به گواه منتقدان کاری شگرف بود که نشان از خلاقیت او می‌داد. «گناهان کبیره» و «الله» از جمله نمایشگاه‌های یوسف رضایی بود. یوسف رضایی‌ها در جامعه هنری ایران زیانده که به دلیل انزوایشان نه در زمان حیات‌شان آنچنان برجسته می‌شوند و نه مرگ‌شان چندان سوژه خبری می‌شود. یوسف رضایی از آن دست هنرمندانی بود که انتزاع از هنرش به زندگی‌اش نیز راه یافت و از او آدم به‌خصوصی ساخت که حتی مرگش را نیز به گونه‌ای انتزاعی رقم زد.

کتاب يك كتاب دو

نگاهی به کتاب «آواز بی‌ساز» نوشته کنت هریف

در ستایش خانه



میلاد ظریف
داستان‌نویس



نویسنده: کنت هریف
مترجم: امیرمهدی حقیقت
ناشر: نشر ماهی

و بکر تبدیل می‌کنند: زن و مردی با دو فرزند در آستانه جدایی، دو پسر خانواده در دنیای بیرون از خانه و در آغاز برخورد و مواجهه با آدم‌های جامعه، معلم مدرسه‌ای که با یکی از شاگردانش مشکل دارد چون شاگرد به تکلیفش عمل نمی‌کند، دوران بلوغ عدل‌ای نوجوان و خانه‌های عادی. کنت هریف به نحو شایسته‌ای در آستانه پیری تازه متوجه می‌شوند زندگی‌شان بیش از اندازه یکنواخت و بدون هیجان شده، همه و همه داستان‌های عادی‌ای هستند که در زندگی روزمره از صبح تا شب خود یا آدم‌های اطراف‌مان با آن درگیر هستیم و تعداد این آدم‌ها و اتفاق‌ها انقدر ممکن است زیاد باشد که دنیای ما تبدیل به دنیای عادی شود؛ آدم‌های عادی با اتفاق‌های عادی در شهری عادی و خانه‌های عادی. کنت هریف به نحو شایسته‌ای در «آواز بی‌ساز» با بسترسازی دنیای عادی و تمام مختصات آشنایش کم‌کم و به مرور مخاطب را در تضاد با دنیای عادی روزمره جهان بیرون از کتاب قرار می‌دهد که یکی‌یکی قهرمانانش از آن بیرون می‌آیند. کنت هریف از مکانی به نام خانه به‌عنوان عادی‌ترین و انبوه‌ترین مکان در دنیای عادی زندگی و پیوندش با این گزاره به زیبایی‌شناسی‌ای در خط روایی و ساختار دایره‌ای و حتی اتمسفر داستان می‌رسد که پرسش‌های دراماتیک کتاب از دل اتمسفر و فضای شهر و در واقع بهتر است بگوییم فضایی دهاتی و روستایی بیرون می‌زند. (ما در کتاب بیش از اینکه زندگی آپارتمانی و تکنولوژی‌های مرسوم در زندگی شهری را شاهد باشیم با فضای روستایی مواجه هستیم؛ اسب می‌بینیم و گاو و خانه‌های چوبی و مراتع کشاورزی و بیشتر درباره چگونگی و چیمستی زندگی روستایی می‌شنوم تا زندگی شهری).

در اینجااست که اوج خلاقیت هریف در آواز بی‌ساز شکل می‌گیرد (یعنی همذات‌پنداری که از اتصال مکانی به نام خانه و مکان‌های خارجی مثل مراتع کشاورزی و بودن شخصیت‌ها در کنار حیواناتی مثل گاو و اسب میان مخاطب و جهان و قهرمانان کتاب شکل می‌گیرد. در واقع هریف با برگشتن به خاستگاه ابتدایی و محل زایش ابتدایی انسان یعنی طبیعت و قراردادن قهرمان‌هایش در بطن طبیعت و زندگی با گذر به خانه‌ای (خانه پسران مک فرون) و در آخر جمع کردن تمام شخصیت‌ها در این خانه در شهر خیالی هالت گلرادو به یک آواز جهان‌شمول رنگ و بویی دراماتیک می‌بخشد؛ شاید این‌طور بتوان گفت که کنت هریف سعی داشت شهری بیافریند با شخصیت‌هایی که تصمیم می‌گیرند به خاستگاه اصلی‌شان که در اینجا خانه‌ای در کنار یک مرتع کشاورزی و دامداری است، برگردند.

#

در حالی که مرگ هنرمند جوانی به ناگهان به یکی از مهم‌ترین موضوعات روز تبدیل می‌شود و موجی از طرفدارانش خیابان‌ها را در ماتم گذشتش بندمی‌آورند، برخی هنرمندها هم هستند که با وجود شهرت جهانی و اهمیت کارشان، مرگی بی‌سر و صدا دارند و حتی ضایعه مرگ‌شان نیز با بی‌مهری روبه‌رو می‌شود. یوسف رضایی یکی از هنرمندان بنام نقاشیخط بود که در کارنامه کاری خود خلاقیت و ابتکار قابل تاملی داشت. آخرین نمایشگاه نقاشیخط او تیرماه پارسال یعنی سال ۹۲ در گالری نگاه برگزار شد و در حالی قلیش در ۶۲ سالگی از کار ایستاد که قرار بود نمایشگاهی از او در ماه‌های آتی برگزار شود. رضایی متولد ۱۳۳۱ رودسر، تحصیلات ابتدایی و دبیرستان خود را در رودسر و دارالفنون تهران گذراند. نخستین نمایشگاه گروهی‌اش در سال ۵۳ برگزار شد. در سال ۶۱ نیز نخستین نمایشگاه انفرادی‌اش را برپا کرد. در این نمایشگاه بود که جمالتی از زرتشت را دستمایه نقاشیخطهای خود قرار داد که مورد استقبال قرار گرفت. این جمله معروف زرتشت که می‌گوید «در جهان حقیقت یکی است و آن هم راستی است»، یکی از دستمایه‌های آن نمایشگاه بود. از او نمایشگاه‌های متعددی در تهران و کشورهایی چون ایتالیا، روسیه، اوکراین، انگلستان، پاکستان، آلمان، یونان و... برگزار شده است. یکی از کارهای او برنده جایزه آفاقان شده است. همین اثر به صورت ماکت در دوره شهرداری کرباسچی در تهران در فرهنگسرای کوچکی اجرا شد. یوسف رضایی اعتقاد داشت باید ادبیات عامه در هنر حضور داشته باشد و برخی از کارهایش با همین ایده شکل گرفته بود. در نقاشیخطهایش نیز به سراغ حروف غیرفارسی و غربی رفته و آثاری درخور خلق کرده بود. در نمایشگاهی که سال‌ها پیش در گالری سیحون برپا کرد، برای نخستین‌بار ادبیات عامیانه را وارد نقاشیخط کرد و به گواه منتقدان کاری شگرف بود که نشان از خلاقیت او می‌داد. «گناهان کبیره» و «الله» از جمله نمایشگاه‌های یوسف رضایی بود. یوسف رضایی‌ها در جامعه هنری ایران زیانده که به دلیل انزوایشان نه در زمان حیات‌شان آنچنان برجسته می‌شوند و نه مرگ‌شان چندان سوژه خبری می‌شود. یوسف رضایی از آن دست هنرمندانی بود که انتزاع از هنرش به زندگی‌اش نیز راه یافت و از او آدم به‌خصوصی ساخت که حتی مرگش را نیز به گونه‌ای انتزاعی رقم زد.

تعامل ادبیات فارسی با ادبیات کردی در حال حاضر چگونه است؟

تعامل ادبیات فارسی و ادبیات کردی آن‌طور که باید و شاید نیست و این جای نگرانی است، این مساله برمی‌گردد به هر دو طرف و مسئولان فرهنگی که تاکنون در این زمینه کاری آنچنانی انجام نداده‌اند. تمام تلاش‌ها فردی و مقطعی بوده، رابطه درستی که موردنظر من است و از سال‌ها قبل و به صورت سیستماتیک باید کار می‌شده، نشده و این دلیل عدم‌آشنایی و تعامل عمیق بین این دو ادبیات است. ما در کنار هم و با ریشه‌های فرهنگی مشترک، نباید ادبیات ما اینقدر با هم ناآشنا و بیگانه باشد و امیدوارم در آینده نزدیک فکری به حال این مساله شود و آن‌طور که شایسته است تعامل جلدی و عمیق برقرار شود.

چند نویسنده و شاعر مهم کرد در ایران مطرح هستند که شهرت‌شان را از ترجمه‌های شما و دیگر مترجمان می‌گیرند. آیا خود آنها نیز از محبوبیت‌شان در ایران خبر دارند؟

بله تمام نویسندگانی که من یا دیگر دوستان آثارشان را ترجمه کرده‌ام در جریان کار خود و محبوبیت‌شان در ایران هستند و بسیار هم خوشحال هستند، زیرا که ایران و مردم آن را بسیار دوست دارند و عاشق فرهنگ ایرانی هستند. این علاقه شدید به فرهنگ ایرانی در میان کردها سابقه بسیار طولانی دارد و برمی‌گردد به ادبیات کلاسیک. همیشه نویسندگان و هنرمندان ایرانی در ادوار مختلف محبوبیت زیادی در میان کردها داشته‌اند و امروز بیش از هر زمان دیگر و نسل‌های جدیدتر در کردستان شناخته‌تر هستند.

ترجمه آثار فارسی به کردی آیا حاصل اشتیاق خوانندگان کرد است یا علاقه مترجمان؟ و آیا می‌توان امیدوار به موج‌سازی در این حوزه شد؟

ترجمه آثار فارسی به کردی هم علاقه مترجمان‌است‌هم اشتیاق زیادخوانندگان. مترجمان کرد بسیاری از آثار خارجی را از عربی و فارسی به کردی ترجمه می‌کنند، اگر از آثار ایرانی استقبال نمی‌شد دلیلی نداشت ادامه بدهند و تمام‌وقت آثار خارجی را ترجمه می‌کردند. زندگی و فرهنگ ما با ایرانی‌ها مشترکات زیادی دارد و شاید این یکی از دلایلی باشد که مردم کردستان خیلی به ادبیات و هنر ایرانی علاقه دارند. این حرکت در آینده گسترده‌تر می‌شود و نویسندگان و کتاب‌های بیشتری را دربر خواهد گرفت.

ما ایرانی‌ها از طریق مترجمان کردی و عربی با نویسندگان و شاعران شاخص آشنا شده‌ایم. آیا آن طرف نیز شناخت‌شان از ادبیات ایران در حد همین قله‌هاست یا شامل نویسندگان جوان هم می‌شود؟

پرویز پرستویی یک نقش را چطور انتخاب می‌کند

به‌مردمی بودن فکر می‌کنم

فرهیختگان| پرویز پرستویی این روزها با فیلم سینمایی «میهمان داریم» ساخته محمدمهدی عسکری‌پور بر پرده سینماهاست. او برای اکران این فیلم به سینما هویزه مشهد رفته و بعد از اکران با مخاطب‌هایش حرف زده است. او در این نشست گفته قبل از آنکه نقشی را بپذیرد به مردمی بودن نقش فکر می‌کند. او گفته است: «معتقد به هنر برای مردم هستم.» بعد از این مرحله است که این بازیگر به درون خودش توجه می‌کند تا انگیزه‌های لازم را پیدا کند و جایگاه خودش را در آن نقش بیابد تا بتواند پیام اصلی‌اش را به مخاطب منتقل کند. او در این نشست گفته است:

ادب و هنر



یکشنبه ۱۶ آذر ۱۳۹۳ | ۱۴ صفر ۱۴۳۶ | ۷ دسامبر ۲۰۱۴ | شماره ۱۵۴۲

گفت‌وگو با مریوان حلبچه‌ای به بهانه ترجمه رمان «آخرین انار دنیا»

مورد عجیب ادبیات کردی



در اقلیم کردستان عراق جز قله‌های ادبیات فارسی تعدادی نویسنده جوان‌تر معرفی شده‌اند، اما افسوس که بسیاری از ترجمه‌ها ضعیف است و در حد خود آثار به زبان اصلی نیست و گاهی ۵۰ درصد ویژگی‌ها هم منتقل نمی‌شود.

ترجمه‌های شما از شاملو، سپهراب سپهری و شمس لنگرودی در عراق تا چه حد مورد استقبال قرار گرفت و آیا این روند ترجمه از آثار شاعران ایرانی شاخص از طرف شما ادامه دارد؟

از تمام آثاری که من به کردی ترجمه کرده‌ام استقبال خیلی خوبی شده است، چه جوان‌ها چه با تجربه‌ها. آثار گروس عبدالملکیان را زمانی ترجمه کرده‌ام که در ایران هنوز شناخته شده نبود و سال‌ها پیش بود که در کردستان خیلی از آن استقبال شد و تمام چهار کتابی که از ایشان ترجمه کرده‌ام چندین بار تجدیدچاپ شدند و نقدهای خیلی خوبی هم درباره ترجمه‌هایم نوشتند. همین‌طور کتاب‌های شمس‌لنگرودی و فروغ و سهراب و حافظ موسوی و رسول یونان و شهاب مقربین و زنده‌یاد غلامرضا بروسان و جعفر مدرس‌صادقی، احمد

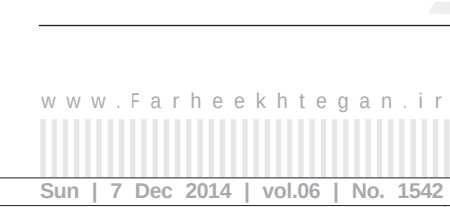
و چندین نویسنده دیگر مشوق من بوده و هستند برای ادامه کار. البته این را هم بگویم اینجا هیچ نوع ممیزی نیست و کتاب‌ها اصلا مجوز نمی‌خواهند و همه‌شان چاپ می‌شوند. این پروژه ترجمه شعر معاصر فارسی را از نیمه دوم دهه هفتاد شروع کردم و تاکنون ۲۶ مترجمان کرد بسیاری از شاعران معاصر ایرانی به کردی ترجمه کرده‌ام که بسیار مورد استقبال واقع شده است و اکنون هم ادامه دارد، البته در زمینه ادبیات داستانی هم چند سال است که کار می‌کنم و چند کتاب چاپ کرده‌ام و چند کتاب از این پروژه هم در سال آینده چاپ می‌شود.

شیرزاد حسن و فرهاد پیرپال نویسندگان بزرگ زیادی در کردستان داریم که آثارشان یا ترجمه نشده یا اگر شده، مجوز چاپ نگرفته‌اند. نویسندگان بزرگی چون: عطا نهایی، عطا محمد، کاروان کاکه سور، جبار جمال غریب، ماردین ابراهیم، فروخ نعمت‌پور، بریا کاکه‌سور، و... که امیدوارم روزی در ایران بتوانیم داستان‌ها و رمان‌های این عزیزان را به چاپ برسانیم.

کدام یک از داستان‌نویسان و شاعران معاصر ایرانی در کردستان با ترجمه آثارشان مورد استقبال قرار گرفته‌اند؟

صادق هدایت، احمد شاملو، سهراب سپهری، فروغ فرخزاد، غلامحسین ساعدی، بزرگ‌علوی، صمد بهرنگی، علی‌اشرف درویشیان، عباس معروفی، علی‌محمد افغانی، زویا پیرزاد، فریبا وفی، جعفرمدرس‌صادقی، مهسا‌محب‌علی، میترا الباتی و تعدادی از نویسندگان جوان‌تر.

شما در حال ترجمه آثار محمد یعقوبی به کردی هم هستید. این پروژه در چه مرحله‌ای است؟ و چطور شد به سراغ محمد یعقوبی برای ترجمه رفتید؟



یکشنبه ۱۶ آذر ۱۳۹۳ | ۱۴ صفر ۱۴۳۶ | ۷ دسامبر ۲۰۱۴ | شماره ۱۵۴۲

گفت‌وگو با مریوان حلبچه‌ای به بهانه ترجمه رمان «آخرین انار دنیا»

مورد عجیب ادبیات کردی

چند سالی می‌شود که ترجمه نمایشنامه‌های محمد یعقوبی را شروع کرده‌ام و کارهایش را بسیار دوست دارم و ایشان را یکی از بزرگ‌ترین نمایشنامه‌نویسان و کارگردانان تئاتر ایران می‌دانم زیرا کارهایش چندین ویژگی دارند که در گفت‌وگویی مفصل به دوست عزیزم آقای مرشدی بیان کرده‌ام. فضای کارهای یعقوبی به زندگی مردم کردستان خیلی نزدیک است و در اینجا وقتی «زمستان ۶۶»، «خشکسالی و دروغ» و «یک دقیقه سکوت» اجرا شد بسیار استقبال خوبی از آنها صورت گرفت و مردم کرد و کارگردانان خیلی علاقه‌مند شدند کارهای دیگرش را ببرند روی صحنه، من هم بعد از ترجمه پنج نمایشنامه از ایشان اکنون در حال ترجمه تمام آثارشان هستم و می‌خواهم تمام کارهای یعقوبی را به کردی ترجمه کنم. البته پیشتر نمایشنامه‌های چهار صندوق از بهرام بیضایی عزیز، عزاداران بیل از ساعدی، به کلام گناه مرا کشتید از عبدالحی شماسی را ترجمه کرده‌ام و همچنین کارهایی از محمد رحمانیان.

اشاره کردید که در ترجمه «آخرین انار دنیا» با علی اشرف درویشیان نیز مشورت کرده‌اید. ایشان چه کمکی برای شکل گرفتن این ترجمه کردند؟

هم درویشیان عزیز و هم دوست عزیزم رضا خندان در ترجمه آخرین انار دنیا کمک کردند و فصل‌هایی از کتاب را که ترجمه می‌کردم می‌بردم خانه درویشیان و ایشان لطف می‌کرد و می‌خواند و نظر و پیشنهادهایی می‌داد که من را روان‌تر می‌کرد، هم برای آخرین انار دنیا هم برای شاهکار دیگر بختیارعلی یعنی رمان (غروب پروانه) که در دوران هشت ساله احمدی‌نژاد بدون هیچ دلیل منطقی مجوز نگرفت، امیدوارم در دولت جدید بتواند مجوز بگیرد.

«آخرین انار دنیا» با ترجمه شما در مدت آن‌کی که در ایران منتشر شده است، با آن که ترجمه دیگری وجود داشت، با استقبال خوبی روبه‌رو شده است. شما نویسنده‌ای با جهان معنایی و تکنیک شگرفی را به ادبیات فارسی به‌طور دقیق

و با وسواس معرفی کرده‌اید. پیش‌بینی این مساله را از قبل می‌کردید؟

سال ۱۳۸۴ وقتی ترجمه «آخرین انار دنیا» را تمام کردم نسخه نهایی را به درویشیان عزیز دادم و ایشان رمان را بسیار ستایش کرد و بعد هم دوست عزیزم خندان مهابادی کتاب را ویراستاری نهایی کرد. همان سال که آنها را به جشنواره گل‌اوژ دعوت کردم و آمدند به سلیمانیه، درباره این کتاب درویشیان سخنرانی کردند و همچنین رضا خندان‌مهابادی مقاله بسیار خوبی نوشت، که در آن زمان هنوز ترجمه فارسی من چاپ نشده بود، اما از همه عجیب‌تر این بود که نشر افراز سال ۱۳۸۸ ترجمه‌ای ناقص و بسیار ضعیف از آخرین انار دنیا را چاپ کرد که بیش از ۵۰ صفحه از اصل کتاب کردی کم داشت و آن سخنرانی خندان که درباره ترجمه من بود را نیز در آن کتاب چاپ کرده بودند. انگار خندان سخنرانی‌اش درباره ترجمه نشر افراز بوده است. خوشبختانه در کمتر از شش ماه کتاب آخرین انار دنیا با ترجمه من که نشر ثالث به چاپ رسانده است دارد به چاپ سوم می‌رسد و به اندازه حجم رمان نقد در ستایش ترجمه‌ام نوشته‌اند.



جانبازان و خانواده شهید بیشتر انگیزه بازی در فیلم‌های دفاع مقدس را پیدا می‌کنم. بنابراین در هر کاری که بتوانم سختی‌های زندگی این عزیزان را نشان

می‌دهم زیرا آنان هشت سال برای این سرزمین جنگیدند و بعضی از آنها امروز مشکلات سختی دارند، ما وظیفه داریم مشکلات آنها را به جامعه

نشان دهیم.»

چهره‌ها



ادبیات
جمال میرصادقی

فرهیختگان| آقای داستان‌نویس یک رمان تازه به چاپ سپرد. جمال میرصادقی نسل‌های مختلفی را در داستان ایران پرورش داده چه با کتاب‌هایش و چه خودش. رمان میرصادقی با نام «مادر، عشق و دیگر هیچ» است که خودش می‌گوید در این رمان تلاش کرده تا مادری را نشان دهد که برای موفقیت فرزندهایش تلاش کند. این رمان را نشر قطره منتشر کرده است.



موسیقی
مازیار فلاحتی

فرهیختگان| مازیار فلاحتی خودش را آماده می‌کند تا در صورت گرفتن مجوزهای لازم روزهای اول دی به روی صحنه برود و کنسرت برگزار کند. او قرار است در این برنامه‌ها ترانه‌های آلبوم جدیدش را بخواند، او آلبوم «ماه هفتم» را در مهرماه منتشر کرد.



موسیقی
احمد رضا احمدی

فرهیختگان| گذشته از آنکه شعرهای دلنشینی دارد صدای گرمی هم دارد و اصلا شنیدن صدای احمدرضا احمدی حال آدم را خوب می‌کند. برای دوستانداران احمدرضا این خبر خوبی است که گزیده شعرهای خودش و اشعار عاشقانه حافظ را در یک آلبوم منتشر می‌کند.



موسیقی
بابک ریاحی‌پور

فرهیختگان| بابک ریاحی‌پور و گروه راک «دیوار» به تازگی یک آلبوم تصویری منتشر کرده‌اند. او می‌گوید به فکر برپایی کنسرت همین آلبوم هستند. البته این گروه تصمیم گرفته برای گروه خواننده دست و پا کند. ریاحی‌پور درباره خواننده‌های راک ایرانی می‌گوید: «اکثر گروه‌های راک در ایران که کار باساکلام اجرا می‌کنند از یک مشکل بزرگ رنج می‌برند. شنونده باید ۱۰ دقیقه موزیک را گوش دهد تا شاید بفهمد خواننده فارسی می‌خواند. توافق ما با خواننده‌ای که قرار است به گروه ما اضافه شود بیشتر بر سر توانمندی اجرایی کلام فارسی است.»



سینما
دنیل کریک

فرهیختگان| سری جیمز باند به بیست‌وپهارمین فیلم رسید. فیلمی که «شیخ» نام گرفته و قرار است در آن دنیل کریک در نقش جیمز باند ظاهر شود. او چهارمین بار است که نقش مامور ۰۰۷ را بازی می‌کند. این قسمت را هم سام مندر بازی می‌کند. در کنار گروه قرار است مونیکا بلوچی، کریستوف والتس و اندرو اسکات هم در فیلم کارگردانی کنند. این فیلم قرار است از هشت دسامبر فیلمبرداری‌اش را آغاز کند و در طول کار به مکزیکوستی، رم، مراکش و استرالیا سفر می‌کند.